

راهبرد آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران

چکیده مطلب::

۱. سیاست آمریکا در برخورد با ایران مبتنی بر مهار است. در این چهارچوب، آمریکایی‌ها ضمن خودداری از روی آوردن به گزینه‌ی نظامی، سیاست تحریم علیه ایران را ادامه خواهند داد.

۲. آمریکا همانگونه که در ارتباط با شوروی به دنبال پیروزی بدون جنگ بود، در ارتباط با ایران هم اینگونه راهبردی دارد. برجام برای آمریکا یک پیروزی بدون جنگ بود. از این رو، آنها خواهان تعمیم مدل برجام به سایر حوزه‌های قدرت راهبردی ایران هستند.

۳. اینکه چه کسی در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا برنده شود، تأثیری بر وضعیت منازعات ایران و آمریکا نخواهد داشت. براین اساس، در هر صورت، سیاست فشار حداکثری آمریکا ادامه خواهد یافت.

۴. ممکن است نتیجه‌ی انتخابات آمریکا بر روی انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ در ایران تأثیر بگذارد؛ به این نحو که با رأی آوردن ترامپ، احتمال قدرت‌گیری اصول‌گرایان در ایران تقویت می‌شود و با رأی آوردن بایدن، این احتمال به نفع اصلاح‌طلبان تغییر می‌کند.

راهبرد آمریکا برای مقابله با ج.ا.ا. در ماه‌های منتهی به انتخابات ۲۰۲۰

مقدمه:

افزایش تحرکات ضدایرانی آمریکا در روزهای اخیر همچون ایجاد مزاحمت برای هواپیمای مسافربری کشورمان بر فراز کشور سوریه توسط آمریکایی‌ها و پیش از آن، وقوع برخی حوادث در داخل کشور که احتمال دست داشتن عوامل آمریکایی در آنها مطرح شد که البته هنوز به طور رسمی هیچ چیزی در این زمینه اعلام نشده است، و همزمان با این اقدامات، تشدید تلاش‌های سیاسی آمریکا برای تمدید تحریم‌های تسلیحاتی ایران و تهدید این کشور به استفاده از مکانیسم ماشه در برجام و... این گزاره را در داخل کشور قوت بخشید که باتوجه به وضعیت نامناسب ترامپ در داخل آمریکا، وی برای جلب آرای عمومی در انتخابات ماه نوامبر ۲۰۲۰ مترصد ایجاد یک پیروزی صوری و نمایشی در قبال ایران است تا از آن در آستانه‌ی انتخابات، بهره‌برداری انتخاباتی بکند. گمانه‌ها بر این

متمرکز شد که باتوجه به حرکت غیرعقلانی و خطرناک آنها در رهگیری هواپیمای مسافربری کشورمان، وی در صدد است تا با تحریک ایران به دادن پاسخ متقابل، بهانه‌های لازم را برای یک درگیری محدود نظامی با ایران به دست آورد. بویژه از آن روی که برخی مقامات در آمریکا مانند پمپئو وزیر خارجه این کشور، با طرح این گزاره که «مردم آمریکا همواره به رئیس‌جمهور در حال جنگ خود رأی داده‌اند» نسبت به اجرای این سناریو نیز بی‌میل نیستند.

در واقع، هرچند راهبرد آمریکا در دوره‌ی ترامپ مبتنی بر سیاست فشار حداکثری با دو بال تحریم و مهار است، اما آنچه که این گمانه‌زنی‌ها را تقویت می‌کند، قرار گرفتن آمریکا در شرایط پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و موقعیت نامناسب (ضعیف‌تر) ترامپ در مقایسه با رقیب دموکراتش؛ یعنی جو بایدن است. براین اساس، در متن حاضر تلاش می‌شود تا راهبرد آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی تا برگزاری انتخابات ریاست جمهوری این کشور واکاوی شود. در ادامه، به بررسی سناریوهای مرتبط با انتخابات آمریکا و تأثیر آنها بر فضای داخلی ایران، بویژه انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ می‌پردازیم.

راهبرد آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران

مسئله آمریکا در ارتباط با ایران، غلبه است؛ به هر نحو ممکن؛ مسالمت‌آمیز یا مبتنی بر اغتشاشات یا غلبه‌ی نظامی. براین اساس، آمریکا برای تحقق این هدف، در مقطع کنونی حداقل روی چهار گزینه تأکید جدی دارد:

۱- مهار و تحریم: اگرچه آمریکا در صدد استفاده از همه‌ی ابزارها و کاربرد همه‌ی

شیوه‌ها برای غلبه بر جمهوری اسلامی است، اما آنچه برای آمریکا مقرون به صرفه است و آن را بیش از سایر گزینه‌ها در دستور کار قرار داده، مهار، محدودسازی و تحریم ایران است. هدف از این راهبرد نیز قرار دادن یا رساندن ایران در فرایندی تدریجی و گام به گام، به مرحله‌ی «انفجار از درون» است. ضمن اینکه برداشت طرف مقابل هم آن است که ایران تنها در صورت تداوم تحریم‌ها، وارد مذاکرات راهبردی خواهد شد. بنابراین، گزینه‌ی نظامی برای آمریکا اهمیت راهبردی ندارد. لذا، بحث حمله‌ی محدود نظامی به ایران توسط آمریکا یا دادن بهانه‌ای به دست ایران به منظور آغاز جنگ، چندان نمی‌تواند مورد توجه آمریکایی‌ها باشد.

۲- وادار کردن ایران به خروج از برجام: با توجه به تلاش آمریکا برای تشدید

فضای ضدایرانی در نظام بین‌الملل که در تلاش روزهای اخیر این کشور برای تمدید تحریم‌های تسلیحاتی نمایان شد که البته ناموفق بود و احتمال فعال کردن مکانیسم ماشه توسط آمریکا طی روزهای آتی، به نظر می‌رسد که آمریکا در صدد است تا با تشدید اقدامات ضدایرانی، ایران را به خروج از برجام تشویق کند. در این زمینه، اخیراً مرکز مطالعات الجزیره در تحلیلی به قلم «نورالدین الدغیر» نوشت که واشنگتن اصرار دارد تا بر فشارهای خود بر ایران ادامه دهد، تا هر آنچه از توافق هسته‌ای باقی مانده است را از بین ببرد، از این رو، استراتژی فعلی آمریکا، سوق دادن ایران برای خروج رسمی از این توافق است، تا به این شکل همبستگی بین‌المللی که در سایه توافق هسته‌ای نصیب ایران شده است، از بین برود. نویسنده در ادامه آورده است که به نظر می‌رسد سیاستمداران تهران

متوجه این بازی شده و تلاش می کنند تحت تأثیر تحریم های آمریکا قرار نگیرند، به این دلیل که می دانند این مسأله به نفع آنها نبوده و به معنای از دست رفتن حمایت بین المللی از تهران است و عواقب متعددی دارد که از جمله آنها، بازگشت تحریم های بین المللی علیه ایران و تهدید قلمداد شدن برنامه های هسته ای آن برای صلح جهانی است.

آنچه در این میان، تلاش های آمریکا برای وادار کردن ایران به خروج از برجام را جدی تر می کند، تقویت این گمانه در میان دولتمردان کنونی آمریکا است که ترامپ ممکن است در انتخابات پیش رو رأی نیابد. بنابراین، این احتمال که آمریکا می خواهد با اقدامات خود کاری کند که ایران از برجام خارج شود، چندان دور از ذهن نیست. ضمن اینکه باید توجه داشت که ترامپ از این طریق می خواهد مانع هرگونه بهره برداری بایدن از برجام و برگشت وی به برجام در صورت پیروزی شود.

۳- پیروزی بدون جنگ: آمریکا همانگونه که در ارتباط با شوروی به دنبال پیروزی بدون جنگ بود، در ارتباط با ایران هم اینگونه راهبردی دارد. برجام برای آمریکا یک پیروزی بدون جنگ بود. از این رو، آنها خواهان تعمیم مدل برجام به سایر حوزه های قدرت راهبردی ایران هستند. درواقع، می خواهند بدون آنکه با ایران وارد جنگ شوند، قدرت ایران، به لحاظ ساختار داخلی و محیط منطقه ای را روزبروز کاهش داده و تخلیه کنند. در همین راستا، سناریوی قریب برای آمریکا، بدون آنکه مجبور به ورود به جنگ خشن با ایران شود، جنگ سایبری است.

نکته مهم در این زمینه آن است که اگر عناصر قدرت ایران تضعیف و تخلیه شود، وضعیت ایران در یک فضای اضمحلال قرار می گیرد و طرف مقابل هم به هیچ وجه در صدد تعامل نخواهد بود؛ زیرا دستور کار آنها مبتنی بر دربرگیری (Engagement) است؛ یعنی قرار دادن ایران در فضایی از تصاعد محاصره و فشار، به گونه ای که از درون متلاشی شود.

ذکر این نکته هم لازم است که نقطه ای امید آمریکا در ارتباط با شوروی، ظهور نسل جدیدی از رهبران و کارگزاران در نظام سوسیالیستی شوروی بود که در مقایسه با نسل قبلی رهبران آن، تغییر محاسبه داده بودند؛ به این ترتیب که در شوروی نسلی از رهبران و تکنوکرات ها ظهور کرد که هدفشان، ارتقای امنیت ملی شوروی بود، اما تصور می کردند با انعطاف در برابر آمریکا، زمینه های لازم را برای تثبیت موقعیت خود فراهم می کنند، اما غافل از آن بودند که همان موقعی که تصور می کردند که از شدت خصومت های آمریکا نسبت به آنها کاسته شده، هدف توطئه های سری آمریکا قرار گرفتند. در واقع، آنها می خواستند با انعطاف در نظام بین الملل مسائل خود را حل کنند، اما این در حالی بود که در داخل در مسیر اضمحلال قرار داشتند؛ نسخه ای که سرانجامی شوم برای شوروی در پی داشت؛ زیرا در روابط بین الملل، انعطاف بدون پشتوانه، سمی مهلک محسوب می شود.

۴- وادار کردن ایران به مذاکرات جامع: همانگونه که پیش از این نیز اشاره کرده ایم، مذاکرات جامعی که آمریکایی ها در صدد انجام آن با ایران هستند، مذاکراتی است معطوف به قدرت هسته ای، منطقه ای، موشکی و نظام بازرسی ها از ایران. این موضوع باتوجه به در پیش بودن برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، برای ترامپ حائز

اهمیت است و وی تلاش می کند تا از هر طریق ممکن، ایران را به پای میز مذاکره بکشاند تا به عنوان برگ برنده‌ای در انتخابات از آن استفاده کند. به نظر می‌رسد، آن گزینه‌ای که ترامپ در صدد تحقق آن است تا از آن به عنوان یک پیروزی ولو نمایشی استفاده کند، این گزینه است. انتخاب الیوت آبرامز به جای برایان هوک به ریاست گروه اقدام علیه ایران در روزهای اخیر نیز بیشتر به این منظور صورت گرفته است؛ زیرا آبرامز هم با مسائل ایران بیش از هوک آشنایی دارد و هم دارای سابقه‌ی ارتباط با ایران در پرونده‌ی مک فارلین است.

نکته مهم در این زمینه آن است که آمریکایی‌ها این چهار گزینه را همزمان در دستور کار قرار دارند و بنا به شرایط، به شقوقی از آنها تأکید می‌کنند، اما راهبرد و چهارچوب اصلی حرکت آنها در مجموع، در قالب همین وجوه چهارگانه قرار دارد. بنابراین، روی آوردن آمریکا به گزینه‌ی نظامی در برابر ایران فاقد هرگونه مزیت استراتژیک بوده و اساساً تاکنون در راهبرد آمریکا در قبال ایران جایگاهی نداشته و هم‌اکنون هم هیچ نشانه‌ای مبنی بر هرگونه تحرکی که حاکی از روی آوردن آمریکا به استفاده از گزینه‌ی نظامی در قبال ایران باشد، وجود ندارد.

انتخابات آمریکا و تأثیر آن بر انتخابات ۱۴۰۰ ایران

در ارتباط با انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، اگرچه براساس نظرسنجی‌ها هنوز جو بایدن پیشتاز است، اما هنوز مناظره‌های انتخاباتی در آمریکا شروع نشده است. احتمال دارد مناظره‌ها همه چیز را تغییر دهد و پیشتازی بایدن تغییر کند؛ بویژه آنکه ترامپ دارای ادبیات

تند و هتاکانه است و از حمله به هر کسی و هر چیزی ابایی ندارد و بایدن هم در صحبت کردن، توانایی خاصی ندارد.

علاوه بر این، در آمریکا ناسیونالیسم آمریکایی وجود دارد که تحت تأثیر جنبش ضدنژادپرستی، فعال شده که این به نفع ترامپ است. شاید یکی از دلایل اینکه ترامپ هم در صدد شعله‌ور کردن اعتراضات ضدنژادپرستی بود، به همین موضوع برمی‌گردد. بنابراین، در تحلیل نهایی، احتمال رأی آوری ترامپ بیشتر است. هرچند واقعاً پیش‌بینی نتیجه‌ی انتخابات آمریکا دشوار است و ممکن است وقوع یک اتفاق غیرمنتظره مانند اپیدمی کرونا کل وضعیت را تغییر دهد. حال سؤال این است که در صورت پیروزی ترامپ در انتخابات، وضعیت روابط ایران و آمریکا چگونه می‌شود؟ در این زمینه، ترامپ اعلام کرد که ایران تمایلی به پیروزی من در انتخابات ندارد، اما اگر در انتخابات پیروز شوم، در زمان محدودی (چهار هفته) با ایران به توافق می‌رسم. با این حال، به نظر می‌رسد که هرگونه مذاکره و توافق میان ایران و آمریکا در زمان دولت روحانی مسئله‌ای به پایان رسیده است. درواقع، امکان اینکه مذاکره با آمریکایی‌ها شروع شود، وجود دارد، اما این مذاکره توسط دولت روحانی نخواهد بود. در این صورت، کسانی باید با آمریکا مذاکره کنند که جهت‌گیری راهبردی داشته باشند و از هرگونه خوش‌بینی و اعتماد به طرف مقابل خودداری کنند. به طور طبیعی، آنها باید حداقل سه ویژگی مهم داشته باشند؛ اول آنکه نسبت به آمریکا و موضوع مذاکره شناخت کافی داشته باشند، دوم آنکه نسبت به سیاست‌های تهاجمی آمریکا در قبال ایران دشمنی داشته باشند و سوم، از قابلیت و توانایی لازم برای حفظ قابلیت‌ها و اعتبار بین‌المللی نظام برخوردار باشند.

موضوع دیگر آنکه اگر ترامپ در آمریکا پیروز شود، وی بحث‌های موردی را در دستور کار قرار می‌دهد؛ زیرا وی فردی تاکتیکی است. البته این به معنای آن نیست که شرایط برای ایران آسان‌تر خواهد شد، بلکه اتفاقاً با پیروزی ترامپ، شرایط حل مسائل ایران و آمریکا دشوارتر خواهد شد؛ زیرا باتوجه به جنایت‌های متعدد ترامپ در تشدید فشار حداکثری علیه ایران و بویژه ترور سردار ملی‌ما؛ سردار حاج قاسم سلیمانی، ایران تمایلی به مذاکره با ترامپ نخواهد داشت.

حال به فرض هم که بایدن پیروز شود، برخلاف برخی خوشبینی‌ها در داخل، وی به برجام برنخواهد گشت، بلکه وی در صدد خواهد بود که یک توافق جامع را با ایران امضا کند، به گونه‌ای که طی آن بتواند تمام ابزارها و حوزه‌های قدرت راهبردی ایران را تضعیف کند. هرچند ممکن است دیپلماسی ایرانی فضای ساده‌تری برای حل و فصل موضوعات پیدا کند. اما باید توجه داشت که قطعاً بایدن در هرگونه مذاکره‌ای در صدد است تا با دادن امتیازات اقتصادی کوچک و ناچیز، قابلیت‌های راهبردی ایران را سلب کند. نکته مهم در این میان آن است که چه ترامپ باشد چه بایدن، سیاست فشار حداکثری علیه ایران ادامه خواهد یافت. به طور خلاصه درباره‌ی تأثیر انتخابات آمریکا بر انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ باید به دو نکته مهم اشاره کرد:

۱- در صورت پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و تداوم سیاست فشار حداکثری وی علیه ایران، موضع اصلاح‌طلبان در ایران تضعیف شده، انگیزه آنها برای مشارکت در انتخابات کاهش می‌یابد و فعالیت رسانه‌های خارجی علیه انتخابات ایران هم

تشدید خواهد شد. بنابراین، میزان مشارکت در انتخابات هم کم می شود و امکان پیروزی افراد و چهره‌هایی با ریشه‌ی انقلابی وجود دارد. در این زمینه، از افرادی چون پرویز فتاح، حسین دهقان، سعید جلیلی و عزت‌الله ضرغامی نام برده می‌شود.

۲- اگر بایدن در آمریکا پیروز شود، امکان جان گرفتن و امیدوار شدن اصلاح‌طلبان برای انتخابات سال ۱۴۰۰ وجود دارد و اصلاح‌طلب‌های معتدل در ایران برای انتخابات فعال خواهند شد؛ زیرا امکان طرح دوقطبی‌هایی حول مذاکره و تحریم همچنان برای آنها وجود خواهد داشت. رسانه‌های خارج از کشور و ضدانقلاب نیز تغییر مشی خواهند داد و به جای تحریم انتخابات در ایران، مردم را به مشارکت در انتخابات ترغیب خواهند کرد. در این وضعیت، الگوی انتخاباتی در ایران پیچیده‌تر می‌شود. ضمن اینکه امکان پیروزی اصلاح‌طلبان ساختاری و معتدل هم وجود دارد.

باتوجه به امکان تأثیر نتیجه‌ی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بر انتخابات ایران در سال ۱۴۰۰، احتمالاً شروع جدی فعالیت‌های انتخاباتی جریان‌های سیاسی به بعد از انتخابات آمریکا موکول خواهد شد؛ یعنی حوالی دی ماه ۱۳۹۹.

ضرورت‌های دیپلماسی کشور

اکنون باید به این بحث پرداخت که باتوجه به وضعیت موجود در روابط خارجی کشور و به طور مشخص، بحث برجام و مسائل با آمریکا، دستگاه دیپلماسی کشور چه باید بکند؟ در این زمینه باید به چند نکته توجه داشت:

۱- برای تنظیم راهبرد و شیوه‌ی مواجهه با آمریکا در ماه‌های پیش‌رو باید از عقل کلی موجود در کشور بهره گرفته شود و به دیدگاه‌های کارشناسی توجه جدی شود. باید بدانیم که مسأله ما چیست و دنبال تحقق چه اهدافی هستیم، باید بدانیم که طرف مقابل ما هدفش چیست و چه چیزی از ما می‌خواهد؟ برای رویارویی فعالانه با این قبیل مسائل و موضوعات، باید کارشناسان مختلف در دستگاه‌های تصمیم‌ساز نظام جمع شوند و با پیش‌بینی سناریوهای احتمالی مختلف، پاسخ مناسب را برای هر یک از سناریوها آماده کنند تا دستگاه دیپلماسی ما در مقابل هر گونه اقدام طرف مقابل، دچار انفعال نشود.

۲- باید توجه داشت که امتیاز دادن به طرف مقابل به امید کوتاه آمدن وی، نسخه‌ای غلط و نابجاست و نه تنها موجب کوتاه آمدن وی نمی‌شود، بلکه او را جری‌تر می‌کند. ضمن اینکه اساساً باید توجه داشت که سیاست آمریکا در نظام بین‌الملل، سیاست قدرت است؛ یعنی تا زمانی که طرف مقابلشان قدرت داشته باشد، با او مذاکره می‌کنند و اگر طرف مقابل، ابزارهای قدرت خود را از کار بندازد یا از دست بدهد، نه تنها با زبان تکریم و مذاکره با او مواجهه نمی‌شوند، بلکه از ابزارهای قدرت شان برای تسلیم او استفاده خواهند کرد.

۳- تداوم جدی اتخاذ راهبرد مقاومت فعال باید مدنظر قرار گیرد. این راهبرد که عبارت است از خارج شدن از فاز انفعالی و ایجاد خسارت و هزینه برای دشمن، در مقابل خسارت‌هایی که به ملت ایران وارد کرده است، از ابتدای سال ۹۷ در دستور کار قرار گرفت و تاکنون در چندین مرحله به طور موفقیت‌آمیزی به اجرا درآمده است. تداوم این

راهبرد، بویژه برای برهم زدن تصویر دشمن از فضای داخلی ایران و اینکه تصور می‌کند که با قرار دادن ایران در فضای محاصره راهبردی، توانایی ایران در استفاده از قابلیت‌های راهبردی و تاکتیکی‌اش را تضعیف کرده است، ضروری به نظر می‌رسد.

۴- خودداری از هرگونه خوش‌بینی نسبت به پیروزی بایدن در انتخابات آمریکا و تبلیغ آن در ایران مانند طرح مباحثی چون «ستاد بایدن در تهران»؛ زیرا این موضوع نه تنها شرطی شدن اقتصاد ایران به روابط با آمریکا را در پی دارد، بلکه می‌تواند شرطی شدن سیاست در ایران را نیز در پی داشته باشد. این در حالی است که گذار از ترامپ به بایدن به معنای تغییر راهبرد آمریکا در قبال ایران نخواهد بود، بلکه بایدن هم همان اهداف ترامپ را اما در ظاهری نرم‌تر و مؤدبانه و با روش‌های مختلف پیش خواهد برد.

۵- تقویت دیپلماسی و رفت‌وآمدهای دیپلماتیک با طرف‌های درگیر در پرونده ایران و آمریکا بویژه چین و روسیه تا بهتر و آسوده‌تر بتوان از وزنه‌ی آنها در مقابل زیاده‌خواهی‌های آمریکا بهره برد مانند آنچه که در شورای امنیت در خصوص قطعنامه‌ی تمدید تحریم‌های تسلیحاتی ایران صورت گرفت.

شکست آمریکا در تمدید تحریم تسلیحاتی ایران؛

پیام‌ها و سناریوهای آینده

مقدمه

پائیز امسال (اواخر مهر ماه) طبق مفاد برجام مدت زمانی تحریم‌های تسلیحاتی ایران منقضی می‌شود. بر این اساس، آمریکا تلاش کرد تا با ارائه‌ی پیش‌نویس قطعنامه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل، تحریم‌های تسلیحاتی ایران را پیش از موعد منقضی شدن آنها، تمدید کند. هرچند که ارائه‌ی این قطعنامه در ابتدا با مخالفت چین و روسیه مواجه شد، اما در نهایت هم با کسب ۲ رأی موافق، ۲ رأی مخالف و ۱۱ رأی ممتنع، پیشنهاد تمدید تحریم‌های تسلیحاتی ایران به تصویب شورای امنیت سازمان ملل نرسید. با این حال، بلافاصله بعد از این شکست سنگین سیاسی و دیپلماتیک، وزیر خارجه آمریکا از ادامه‌ی کارزار سیاسی با ایران خبر داد. پمپئو تلویحاً اعلام کرد که آمریکا آماده‌ی پرداخت هر نوع هزینه در راستای تمدید تحریم تسلیحاتی و انقضای برجام است. بر این اساس، به نظر

می‌رسد که اگرچه شکست آمریکا در تصویب قطعنامه ضدایرانی اخیر، یک پیروزی برای کشورمان محسوب می‌شود، اما این به معنای پایان کارزار تسلیحاتی و برجانی آمریکا با ایران نیست. بنابراین، در متن حاضر تلاش می‌شود تا ضمن بیان پیام‌ها و پیامدهای این شکست دیپلماتیک، سناریوهای آینده‌ی رویارویی آمریکا با جمهوری اسلامی ایران مورد مذاقه قرار گیرد.

پیام‌ها و پیامدهای شکست دیپلماتیک آمریکا

مهمترین پیام‌ها و پیامدهای شکست دیپلماتیک آمریکا در تصویب قطعنامه ضدایرانی اخیر در شورای امنیت عبارت‌اند از:

۱- شکست یکجانبه‌گرایی و سیاست تهاجمی ترامپ. درواقع، رأی ممتنع کشورهای اروپایی که متحدان سنتی آمریکا محسوب می‌شوند، در کنار رأی منفی چین و روسیه به قطعنامه‌ی ضدایرانی آمریکا، نشان داد که قدرت‌های بزرگ با سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه و تهاجمی ترامپ نه مخالف هستند، بلکه از انگیزه‌های لازم برای کنترل این یکجانبه‌گرایی‌های بی‌منطق نیز برخوردارند. براین اساس، پیامد دردناک این قضیه برای آمریکا این است که برخلاف گذشته دیگر قدرت یک‌تاز در عرصه‌ی نظام بین‌الملل نیست و از قدرت فیصله‌بخشی مسائل به نفع خود برخوردار نیست. این موضوع، ضمن اینکه نشان از افول قدرت و هژمونی بین‌المللی آمریکاست، آن را نیز تسریع می‌کند.

۲- باتوجه به اختلاف نظر چین و روسیه با آمریکا بر سر استفاده‌ی آمریکا از مکانیسم ماشه، احتمالاً در روزهای آتی، همزمان با افزایش تلاش‌های آمریکا برای استفاده از

مکانیسم ماشه، شاهد یکی از سنگین ترین مناقشات سیاسی و دیپلماتیک میان قدرت های بزرگ پس از جنگ سرد خواهیم بود. بویژه اینکه پوتین همپای وتوی این قطعنامه، نبردی دیپلماتیک را با ایالات متحده در قالب ۱+۵ آغاز کرده که اتفاقاً با استقبال چین نیز مواجه شد. براین اساس، پوتین قصد دارد با همراهی اروپا و چین، فشار سیاسی شدیدی را بر ایالات متحده جهت انصراف از فعال کردن بند ماشه اعمال کند که البته بعد از شکایت آمریکا از ایران در شورای امنیت، اکنون روس ها اعلام کرده اند که باتوجه به مخالفت آمریکا با برگزاری این نشست، برگزاری آن امکان پذیر نیست.

۳- شکست سیاست فشار حداکثری آمریکا به این صورت که آمریکا که از ماه ها پیش برای متقاعد کردن کشورهای مختلف به منظور حمایت از ابتکارش تلاش های زیادی کرده و حتی ناچار به تغییر نماینده ویژه اش در امور ایران شده بود، بار دیگر در رسیدن به هدف منزوی کردن ایران ناکام ماند.

۴- در ارتباط با تأثیر این وضعیت بر فضای داخلی ایران هم باید گفت که استفاده دولت ترامپ از مکانیسم ماشه، موجبات تعمیق بدبینی به آمریکا در داخل ایران را فراهم می کند و جریان ضد استکباری (انقلابی) را در ساختار قدرت ایران بیش از پیش تقویت می کند.

۵- اگرچه ترامپ در تشدید اقدامات ضدایرانی خود، بویژه تلاش برای تمدید تحریم های تسلیحاتی ایران، قطعاً در صدد استفاده انتخاباتی از این قضیه بود، اما شکست مفتضحانه ای آمریکا در این موضوع، این نقشه ی ترامپ را نقش بر آب کرد. آنچه که در روزهای آتی امکان هرگونه بهره برداری انتخاباتی ترامپ از این قضیه را دشوارتر خواهد کرد، سرنوشت

استفاده‌ی آمریکا از مکانیسم ماشه است؛ به این ترتیب که اگر چین و روسیه در مسیر استفاده آمریکا از مکانیسم ماشه مانع آفرینی کنند و اجرای این بند توسط آمریکا را دشوار سازند، در کارزار انتخاباتی، کار برای ترامپ دشوارتر خواهد بود. تحقق این موضوع، باتوجه به عدم تمایل چین و روسیه به انتخاب مجدد ترامپ بعید نیست.

۶- شاید دور از ذهن نباشد که گفته شود ایجاد اجماع بین‌المللی به نفع ایران در شورای امنیت، مزد مقاومت فعال دولت و ملت ایران، پس از خروج آمریکا از برجام است؛ زیرا کشورهای مختلف، بویژه اروپایی‌ها که پیش از این تصور نمی‌کردند که ایران بتواند در برابر فشارهای حداکثری ترامپ دوام بیاورد، اکنون وقتی به قدرت ایران در خنثی‌سازی بخشی از تحریم‌های ضدایرانی و در پیش گرفتن موفق راهبرد مقاومت فعال پی برده‌اند، متوجه قدرت و عمق مقاومت خستگی‌ناپذیر ملت ایران شده‌اند و بنابراین، ترجیح داده‌اند که اندکی در قبال ایران تغییر رویه دهند.

۷- در عین حال، پیام این قضیه برای رژیم صهیونیستی و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس که خواهان تمدید تحریم تسلیحاتی ایران بودند، چیزی جز شرمندگی و پشیمانی از همراهی با خواسته‌های غیرقانونی آمریکا نیست. ضمن اینکه رأی قاطع شورای امنیت به نفع ایران نشان داد که کشورهای مذکور در قامتی قرار ندارند که در نظام بین‌الملل به عنوان عناصری مؤثر و مورد احترام به آنها توجه شود.

۸- حمایت قاطع چین و روسیه از ایران در این قضیه، می‌تواند روند همکاری‌های این سه قدرت شرقی را تسریع کرده و به آن سویه‌های راهبردی بدهد؛ بویژه آنکه هر سه این

قدرت ها از انگیزه های لازم برای مقابله با آمریکا برخوردارند و به لحاظ جغرافیایی و ژئوپلیتیکی نیز ظرفیت های آنها می تواند مکمل یکدیگر باشد.

بنابراین، می توان گفت که بازنده ی اصلی این موضوع، خود آمریکاست؛ زیرا با این اقدام نه تنها انزوای بین المللی خود را به نظاره نشست، بلکه موجبات نزدیکی بیش از پیش ایران، روسیه و چین و در عین حال، دوری متحدان اروپایی خود را فراهم کرد. ضمن اینکه در نگاهی بلند مدت، یک گام هم خود را به عینیت یافتگی افول قدرت بین المللی اش نزدیک سازد و این بحث را برای افکار عمومی داخل و خارج امریکا، باورپذیرتر ساخت.

سناریوهای آینده

همانگونه که قابل پیش بینی بود، آمریکا در شکستی دیپلماتیک، با «نه بزرگ» کشورهای عضو شورای امنیت سازمان ملل در تمدید تحریم های تسلیحاتی ایران مواجه شد. بنابراین، اکنون سؤال این است که سناریوهای بعدی آمریکا در قبال ایران و به طور مشخص در ارتباط با تحریم های تسلیحاتی چیست؟ سناریوهای بعدی آمریکا برای تمدید تحریم های تسلیحاتی ایران عبارت اند از:

۱- بردن پرونده ایران به آژانس به بهانه ی اینکه ایران اجازه ی بازرسی از برخی مکان های مورد نظر آژانس را نمی دهد و قلمداد کردن ایران به عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت

بین‌المللی که فاز نخست آن با تصویب قطعنامه ضدایرانی شورای حکام آژانس رقم خورد و ممکن است در نهایت، پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع شود. با این حال، باتوجه به عدم همراهی اروپا با آمریکا در زمینه تصویب قطعنامه تمدید تحریم‌های تسلیحاتی، برنامه آمریکا در تمرکز بر نشست آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ماه سپتامبر جهت ارسال پرونده از آژانس به شورای امنیت نیز عملاً منتفی است. بنابراین، آمریکا زمان برداشتن گام آخر (اسنپ بک یا مکانیسم ماشه) را به جلو انداخت و خیلی زودتر از پیش‌بینی‌ها بند ماشه را فعال کرد. البته دست یازیدن آمریکا به این اقدام نیز دشوار نخواهد بود؛ زیرا مخالفت دیگر اعضای شورای امنیت تصمیم‌گیری و اجرای این روند را بسیار دشوارتر خواهد کرد. در ادامه به این موضوع بیشتر می‌پردازیم

۲- استفاده از مکانیسم ماشه و برگرداندن خودکار تحریم‌های ضدایرانی دومین سناریوی ممکن بود که اکنون با شکایت آمریکا از ایران در شورای امنیت کلید خورده است. در این زمینه، هرچند که خروج آمریکا از برجام واضح است و آمریکا به عنوان عضوی از برجام نمی‌تواند از مکانیسم ماشه استفاده کند، اما آمریکایی‌ها مدعی هستند که اگرچه از برجام خارج شده‌ایم، اما عضو قطعنامه ۲۲۳۱ هستیم. روسیه و چین با این موضوع هم تاکنون مخالفت کرده‌اند. حال باتوجه به شکست مفتضحانه‌ی آمریکا در صدور قطعنامه برای

تمدید تحریم‌های تسلیحاتی، به نظر می‌رسد که این سناریو به طور جدی‌تر در دستور کار آمریکا قرار گیرد. مکانیسم عمل در اینجا نیز اینگونه است که برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه آمریکا باید شکایتی را علیه ایران درباره نقض برجام به شورای امنیت ببرد که اکنون این کار را انجام داده است. سپس شورای امنیت باید ظرف ۳۰ روز درباره قطعنامه‌ای برای ادامه معافیت تحریمی ایران تصمیم‌گیری کند. اگر این قطعنامه تا مهلت مقرر ارایه نشود، همه تحریم‌های سازمان ملل که قبل از سال ۲۰۱۵ برقرار بود، به طور خودکار بازمی‌گردد. نکته مهم و نگران‌کننده این ساز و کار، این است که بازگشت تحریم‌ها، قابل و تون نیست، بلکه «عدم بازگشت تحریم‌ها» قابلیت و تون دارد؛ یعنی رأی‌گیری برای «بازگشت تحریم‌ها» انجام نمی‌شود، بلکه برای «ادامه تعلیق تحریم‌ها» انجام می‌شود. در این صورت، حتی اگر شورا به آن رأی ندهد، یک عضو دارای حق و تون می‌تواند رأی را و تون کرده و عملاً تحریم‌ها بازگردند!

سؤال مهمی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که آمریکا چگونه می‌تواند مکانیسم ماشه را فعال کند؟ آمریکا برای پیشبرد سیاست یکجانبه خود علیه ایران و برجام بر چند موضوع تأکید دارد:

۱- قطعنامه ۲۲۳۱ سندی مستقل از برجام است و بدلیل عضویت آمریکا در شورای امنیت، علی‌رغم خروج از توافق هسته‌ای این کشور می‌تواند با توسل به این قطعنامه مکانیسم ماشه را فعال کند.

۲- در قطعنامه ۲۲۳۱ از لفظ «دولت‌های مشارکت‌کننده یا شرکت‌کننده در برجام» (participant states) به جای «اعضای برجام» (members of JCPOA) استفاده شده است و آمریکا هم یکی از دولت‌های مشارکت‌کننده در برجام بوده است.

۳- با در نظر گرفتن این مفروضات، واشنگتن با تکیه بر بندهای ۹ تا ۱۲ قطعنامه ۲۲۳۱ که ذیل بند ۴۱ منشور ملل متحد تعریف شده است، وارد فاز فعال‌سازی مکانیسم ماشه می‌شود، اما چگونه؟

الف) آمریکا بر اساس بند ۱۱ قطعنامه به عنوان دولت مشارکت‌کننده در برجام اخطار و گزارش هشدارآمیز (notification) خود در مورد عدم اجرای قابل توجه تعهدات برجامی را به شورای امنیت ارائه می‌دهد که هم‌اکنون این کار را انجام داده است. اعضای شورای امنیت از زمان دریافت این گزارش، ۱۰ روز فرصت دارند در مورد رأی به پیش‌نویس یک قطعنامه تصمیم‌گیری کنند. در این بازه زمانی، ممکن است روسیه، چین و اروپا گزارشی در مقابل ارائه دهند که آمریکا به دلیل خروج از برجام نمی‌تواند مدعایی در این زمینه

داشته باشد و پیش از ایران ناقض برجام بوده است. آمریکا در اینجا می‌خواهد دست به یک اقدام جدید حقوقی بزند تا گزارش این کشورها را خنثی کند. با توجه به اینکه این شکایت روسیه، چین و اروپا نوعی تفسیر جدید از قطعنامه ۲۲۳۱ است و بر عدم مشارکت آمریکا نه عضویت تأکید دارد، در قالب گزارش (نوتیفیکیشن) قابل پیگیری نیست و باید به صورت پیش‌نویس قطعنامه ارائه شود. برداشت آمریکا این است که اگر این روند را محقق سازد، قادر خواهد بود قطعنامه مشترک این سه قدرت جهانی را وتو کند.

ب) اگر اعضا پس از ۱۰ روز در ارتباط با رأی‌گیری در مورد پیش‌نویس قطعنامه تنظیم شده بر اساس گزارش آمریکا به تفاهم نرسند، آن هنگام رئیس شورای امنیت موظف به ارائه یک پیش‌نویس قطعنامه جهت رأی‌گیری است. اعضا تا ۳۰ روز فرصت خواهند داشت این پیش‌نویس را به رأی بگذارند.

ج) بر اساس بند ۱۲ قطعنامه ۲۲۳۱ در صورت عدم موفقیت در زمینه رأی به قطعنامه پیشنهادی در اجرای بندهای ۷ و ۱۱ قطعنامه، در شامگاه سی‌امین روز به وقت گرینویچ از زمان دریافت نوتیفیکیشن آمریکا به شورای امنیت، تمام قطعنامه‌های تحریمی قبل از قطعنامه ۲۲۳۱ دوباره بازخواهد گشت.

با این حال، باید توجه داشت که اولاً تفسیر روسیه، چین و اروپا از واژه مشارکت کننده یا شرکت کننده در برجام، همان عضویت است و به همین دلیل تأکید دارند که آمریکا به دلیل خروج از برجام، دیگر عضو این معاهده بین‌المللی نیست و نمی‌تواند از مفاد آن استفاده کند. ثانیاً قطعنامه شورای امنیت سند مستقلی از برجام نیست، بلکه مکمل آن است و کشوری که از یکی از این دو سند خارج شده، نمی‌تواند از سند مکمل علیه سند دیگر استفاده کند. ضمن اینکه باید توجه داشت که در صورت پیشبرد پروژه آمریکا، در فردای سی‌امین روز، حداقل روسیه و چین به مفاد قطعنامه‌های پیشین شورای امنیت در مورد ایران تن ندهند؛ یعنی از نظر آمریکا، ایران ذیل فصل هفتم منشور ملل تعریف شود و از نظر سایر قدرت‌های جهان همچنان مناسبات برآمده از قطعنامه ۲۲۳۱ ساری و جاری باشد.

اعضای برجام چگونه می‌توانند مانع فعال‌سازی مکانیسم ماشه شوند؟

۱- سپردن قضاوت به رئیس دوره‌ای شورای امنیت برای مشخص کردن صلاحیت آمریکا. در این صورت، سفیر اندونزی در سازمان ملل می‌تواند صلاحیت آمریکا برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه را رد کند.

۲- اعضا می‌توانند مانع تصویب صورت جلسه آمریکا شوند، به این ترتیب که در نشستی که آمریکا می‌خواهد عدم پایبندی ایران به تعهداتش را گزارش دهد، حاضر نشوند.

۴- راهکار سوم هم آن است که در هر بار تلاش مجدد آمریکا این رویه را تکرار کنند.

واکنش‌های احتمالی ایران به فعال سازی مکانیسم ماشه

۱- خروج رسمی از برجام براساس مصوبه دوفوریتی مجلس شورای اسلامی

۲- تعلیق پروتکل الحاقی و قطع همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

۳- تغییر دکترین هسته‌ای؛ به این معنا که اقداماتی در راستای تغییر چهارچوب حاکم بر فعالیت هسته‌ای ایران انجام شود که می‌تواند شامل خروج از NPT، غیرشفاف کردن برنامه هسته‌ای و اقداماتی از این دست باشد.

۵- باقی ماندن در برجام و پیگیری راهبرد صبر تا انتخابات آمریکا

آنچه که آمریکایی‌ها اکنون به دنبال آن هستند، تشدید فشارهای ضدایرانی به منظور وادار کردن ایران به مذاکره است. این موضوع با توجه به درپیش بودن برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، برای ترامپ فوق‌العاده حائز اهمیت است و وی تلاش می‌کند تا از هر طریق ممکن، ایران را به پای میز مذاکره بکشانند تا به عنوان برگ برنده‌ای در انتخابات از آن استفاده کند. بنابراین، در روزها و ماه‌های آتی باید ضمن خودداری از ارسال هرگونه پیام ضعفی به خارج، به تداوم جدی راهبرد موفق مقاومت فعال اندیشید تا هرگونه رؤیای تسلیم ایران توسط آمریکا، هنوز برای طرف مقابل در حد رؤیا باقی بماند. در این صورت، باید امیدوار بود که سیاست فشار حداکثری ترامپ بیش از پیش ترک بردارد. ضمن اینکه باید توجه داشت که ابراز تمایل به ورود به مذاکرات در مسیری که آمریکا تعیین کرده است، نتیجه‌ای جز خسارت برای کشور به بار نخواهد آورد.